

من اگر جای متولی های بیلبردهای شهرمون یا کل کشورمون بودم، که البته اصلا بی خبرم متولی داره یا فقط حسابداری داره!

اگر جاشون بودم به جای این همه سخن و پیام مربوط و نامربوط! حتما یکی از پیام های ضروری ای که اطلاع رسانی عمومی می کردم این بود؛

خانوم ها و آقایون متولد اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه ی شصت، هشدار!

اگر میخوايد عوض بشيد با "ی"، یعنی بزنی زير همه چی!

اگر میخوايد با همه قطع رابطه کنید و دوستی های خاک بر سرى کنید!

اگر میخوايد خدایی نکرده طلاق بگیرید!

اگر میخوايد معتاد بشيد! یا به قول عوام خوشگذرونی کنید!

اگر میخوايد ديگه با حلال و حرام کاری نداشته باشید و ميگيد تو اين زمونه نمیشه با حلال زندگی رو چرخوند!

اگر میخوايد مهاجرت کنید و بدبخت تر بشيد!

اگر میخوايد برخی جراحی های غیر ضروری رو روی جسمتون اعمال کنید!

اگر میخوايد نقاب هایی بزنی و بشيد يه کس ديگه!

اگر میخوايد ديگه از اين به بعد فقط سبزی و علفی جات بخوريد!

یا میخوايد فقط قهوه بخوريد و سيگاری بدبو هم بشيد!

و يا هر "غلطی" که می خواهيد بکنيد... لطفا صبر کنید! چون پشیمان ميشيد

اينها هيچ کدوم دواي دردهای انباشته ی شما نيست، شما اصلا انقدر درد نداريد!

شما در پيچ بزرگ، مهم و البته گذرای ورود به "میانسالی" هستيد...

يکي دو سال صبوري کنید و افکارتون رو تغيير بديد، بعدش شما هم به اين تصميمات خواهيد گفت؛ "غلط" ... خوب شد نکردم...

ضمنا علاقه ی به اين اغلاط و يا اراده ی به انجامشون نشانه ی اين هست که متاسفانه تا اين سنّ و سال هنوز اونطور که بايد و شايد، اونطور که نياز داريد اهل "عقل" و "معنويت" نشديد...